

کتاب "فعالیت‌های یادبود سقوط خلافت" رونمایی‌گردید



حزب التحریر در ماه رجب سال ۱۴۳۹ هـ.ق مطابق به ۲۰۱۸ م به مناسبت یادبود و از بین رفتن سقوط دردناک خلافت توسط جنایتکاران، فعالیت‌های مردمی را در تمامی سرزمین‌های که فعالیت دارد، به راه انداخت. در این کتاب به فعالیت‌ها و کارکردهای جهانی جوانان حزب التحریر؛ مردان و زنانی که شامل کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها، تظاهرات‌ها، راهپیمایی‌ها، میزهای گفت‌وگو در مقابل دانشگاه‌ها، کمپاین‌ها، دیدارهای گسترده مردم در خانه‌ها، فروشگاه‌ها و اماکن عامه، نشر و توزیع منشورات، اعلامیه‌های مطبوعاتی و غیره می‌گردد، در سرزمین مبارک (فلسطین)، سودان، یمن، پاکستان، ترکیه، بریتانیا، اردن، تونس، کینیا، بنگلهدیش، مالیزیا، تانزانیا، هالند، امریکا، سوریه، اندونیزیا، لبنان و غیره به راه انداخته شده بود، پرداخته شده است.

در این کتاب می‌خوانید:

صحابی جلیل‌القدر رسول الله صلی الله علیه وسلم، مصعب ابن عمیر رضی الله عنه به فضل و توفیق الله سبحانه و تعالی در مدت کوتاهی توانست که نور اسلام را در اذهان و قلب‌های اهل مدینه بگنجاند؛ طوری که هیچ خانه‌ای در مدینه نمانده بود که در آن از اسلام یاد نمی‌شد؛ بلکه اسلام را به تمام خانه‌های مدینه رسانده بود. مدینه خصوصاً بعد از بیعت عقبه دوم (بیعت جنگ، بیعت فداکاری و قربانی نفس، مال، اهل و فرزندان، قربانی مقام و جایگاه برای یاری رسول الله صلی الله علیه وسلم و بیعت حکومتداری) آماده برای قدوم و آمدن رسول الله صلی الله علیه وسلم و تسلیم حکومت به وی و برپایی اولین دولت اسلامی گردیده بود. بنابر این، اهل مدینه پیشتر از هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم به سوی آنان، مشتاق دیدار وی صلی الله علیه وسلم بودند و برای آمدن وی روزها نه؛ بلکه ساعات و لحظات شماری می‌کردند؛ فرد فرد و گروه گروه و یا به عبارتی دیگر، جمعی و فردی مردان و زنان، بزرگسالان و نوجوانان و اطفال، در تپه‌های مدینه منتظر رسیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌نشستند و در آن جا می‌ماندند تا آن که آفتاب بلند شده و هوا بسیار گرم می‌شد و سایه‌ای که در آن می‌نشستند، نمی‌یافتند، به خانه‌های شان بر

می‌گشتند و روزی بعدی دوباره به همانجا می‌رفتند و این کار تکرار می‌شد و به مدت چند روز این چنین ادامه یافت تا آن که رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه رسید و نخستین دولت اسلامی را تأسیس نمود.

بلی، مسلمانان در مدینه چنین حالت را داشتند؛ قدرت‌مندان و نیرومندان‌شان می‌گفتند تا چه زمانی رسول الله صلی الله علیه وسلم این چنین در کوه‌های مکه تحت تعقیب و پیگیری قرار می‌گیرد؟ لذا به سوی وی شتافتند و با وی بر نصرت و برپایی نخستین دولت اسلامی در سرزمین‌شان بیعت نموده، همه از آن حمات و پشتیبانی نمودند. بنابر این، هنگامی که آمدن رسول الله صلی الله علیه وسلم را شنیدند، پنج صد تن از مردان‌شان با سلاح‌های خویش رهسپار شده و به دیدار وی شتافتند، و نیز سائر مردان، زنان، بزرگ سالان و حتی اطفال با حرکت پرشور آماده ایفای نقش‌شان در نصرت و یاری به اسلام شده و بی‌صبرانه به انتظار آمدن رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند، تا این که با دیدار وی سعادت‌مند و با اسلام عزت‌مند شوند و در سایه پرچم اسلام تحت سایه دولت اسلامی قرار گیرند؛ دولتی که به طور مستمر به اساس اسلام حکم نموده و خیر (اسلام) را با دعوت و جهاد به اطراف و اکناف جهان منتشر ساخت، تا این که غرب کافر استعمارگر در ۲۸ رجب ۱۳۴۲ هـ.ق مصادف با ۳ مارچ ۱۹۲۴م به زعامت بریتانیا و با کمک عرب‌ها و ترک‌های خائنی که در رأس‌شان مصطفی کمال خائن وجود داشت، دولت اسلامی را از بین برده و سقوط دادند.

در اخیر می‌گوییم: دولت اسلامی خواب و خیال نیست که در رؤیاهای آن شوخی و مزاح شود، بلکه حقیقت و واقعیت است؛ زیرا در طول سیزده قرن برگه‌های تاریخ مملو از یاد دولت اسلامی است. در گذشته چنین بود و ان شاء الله در آینده نزدیک نیز این چنین خواهد شد؛ زیرا عوامل موجودیت آن قوی‌تر از آن است که مردم منکر و یا بر آن غلبه حاصل نمایند، بلکه واقعیت انکار ناپذیر است، اذهان و افکار مستنیر مملو از آن بوده و دولت اسلامی آرزوی امت اسلامی است که تشنه مجد و عظمت اسلام هستند.

دولت اسلامی رغبت و زاده هوای نفس نیست؛ بلکه فرضی است که الله سبحانه و تعالی بر مسلمانان آن را لازم گردانیده و به مسلمانان دستور داده است که آن را برپا نمایند، و اگر آن‌ها در قبال برپایی آن تقصیر نمایند، از عذاب خویش هشدار داده است. چگونه الله متعال از مسلمانان راضی شود؛ در حالی که مسلمانان عزت را از غیر الله متعال و غیر از مؤمنین می‌طلبند؟! و چگونه از عذاب ذات قوی و عزیز نجات یابند؛ در حالی که دولتی که ارتش مسلمانان را بسیج و از حدود و مرزهای سرزمین اسلامی پاسبانی و حدود الله متعال را جاری و به آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده است، حکم می‌نماید، برپا نمی‌نمایند؟ بنابر این، بر تمامی مسلمانان لازم است که دولت اسلامی-دولت خلافت راشده بر منهج نبوت- را برپا نمایند، زیرا اسلام بدون دولت موجودیت مؤثر ندارد و به اصطلاح فقه سرزمین‌شان دارالاسلام پنداشته نمی‌شود، مگر زمانی که حکومتداری اسلامی تأسیس شود.

و در اخیر باید گفت: برپایی خلافت فرض است، فرضی که با آن اسلام و مسلمانان عزت‌مند، کفر و کفار ذلیل می‌شوند و ما بر آنچه که امیر حزب التحریر، عالم برجسته عطاء ابن خلیل ابوالرشته حفظه الله در مورد خلافت گفته است، تأکید می‌نماییم: «...بلی، خلافت صنعت، سرمایه، عزت‌مندی و نیرومندی است. خلافت محافظ و پاسبان دین و دنیا است. خلافت اصل و فرع است. توسط خلافت احکام برپا می‌گردد، حدود جاری گردیده و فتوحات به

حق صورت گرفته و سرها به حق بلند می‌گردد و تاریخ خلافت بر این امر سخن می‌گوید: امپراتوری روم و نشان سلطنت آن کجاست؟ مدائن و پادشاهان شان کجاست؟ اگر دولت اسلامی، ارتش اسلام و عدالت اسلام نمی‌بود، چه کسی تکبیرگویان اسلام را به اطراف و اکناف جهان رسانده و اسلام را از یک اقیانوس به اقیانوس دیگر حمل می‌نمود؟ چون اگر خلافت می‌دانست که در عقب اقیانوس‌ها در شرق یا غرب جهان سرزمینی وجود دارد، دست به رساندن دعوت زده و به سوی الله بخشاینده و مهربان، عزیز و حکیم فرامی‌خواند...»

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

جمعه ۸ شوال ۱۴۳۹ هـ.ق

۲۲ جون ۲۰۱۸ م

<http://www.hizb-ut-tahrir.info/ar/index.php/resources/hizb-resources/53400.html>